

واژه‌های منسوخ موسیقی در زبان فارسی (بررسی واژه‌های موسیقی هزار سال شعر فارسی)

منصورة ثابت‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد جنوب تهران)

در این مقاله، تغییرات صوری و معنایی واژه‌های موسیقی اعم از اصطلاحات، مفردات، ترکیبات... در شعر فارسی قرن چهارم تا چهاردهم بررسی شده است و نتایج حاصله معلوم می‌دارد که اصطلاحات موسیقی در شعر فارسی کدام‌اند و طی قرن‌ها کدام آنها منسوخ شده‌اند و از آنچه زنده مانده کدام دستخوش تغییر و تحول شده است.

در این پژوهش دیوانهای اشعار شاعران مشهور از جمله رودکی، فردوسی، منوچهری، فرخی، فخرالدین اسعد گرگانی، خیام، مسعود سعد، ناصر خسرو، انوری، خاقانی، نظامی، سعدی، مولوی، خواجه، اوحدی مراغه‌ای، حافظ، صائب، بیدل، هاتف اصفهانی، وحشی بافقی و شاعران معاصر از جمله شهریار، فروغ، شاملو، اخوان سهراب سپهری، نیمایوشیج مطالعه و حدود ۱۲,۰۰۰ برگیزه از آنها استخراج شده است که به نوعی نمودار سیر تاریخی اصطلاحات موسیقی در شعر فارسی است.

فراوانی اصطلاحات موسیقی در آثار شاعران پارسی‌گو بیانگر اهمیت و گستردگی موسیقی در حیات اجتماعی و هنری ایرانیان و پیوستگی آن با شعر فارسی است. دیوان کمتر شاعری را می‌توان یافت که از این اصطلاحات خالی باشد. در حقیقت، پیوند موسیقی و شعر از عوامل بسیار مؤثر ترویج زبان و ادب فارسی بوده و هست.

اصطلاحات موسیقی در اشعار فارسی به صورتهای گوناگون ظاهر شده است از جمله در نمادهای عددی، نام اختران (زهره)، پرندگان (بلبل، قمری، چکاوک، سار و کلاغ)،

امثال (صدای دهل شنیدن از دور خوش است)، آواز و رقص (ناید آواز جز از خم تهی؛ برای کر چه بزنی، برای کور چه برقصی؛ نژده می‌رقصد)، نوازنده و مجری (یک کاسه‌چی، صد تا سرناچی)؛ صور بلاغی چون تشبیه، استعاره، تلمیح، کنایه، شخصیت‌بخشی، اغراق و مبالغه؛ ترکیبات اسمی و فعلی.

برای مثال، شواهد بسیاری در تشبیه می‌توان یافت که مضمون موسیقایی دارد. در شعر منوچهری، رباب کودکی است محتشم و در شعر خاقانی طفلی است نالان:
بربطی چون دایگانی طفل نالان در کنار طفل را از خواب دست دایگان انگیخته
یا، باز در شعر خاقانی، چنگ گاه زالی است سرافکنده:
چنگ چو زالی سرافکنده ز شرم گیسوان در پاکشان آخر کجاست
و گاه زاهدی پلاس پوش

چنگِ بریشمین سَلَب کرده پلاس دامنش چون تین زاهدی کزو بوی ریای نو زند
(خاقانی، ۴۵۹)

جلال در شعر عطار (خسرونامه) ستاره است و آفتاب در شعر مولوی دستک‌زن و رقصان و نی عارفی وارسته. از اینها دهها و صدها نمونه می‌توان ذکر کرد.

گزینش بالبداهه یا استادانه حروف و کلمات را نیز باید تأثیر موسیقی در شعر شمرد که نغماتی خوش پدید می‌آورد و در اوزانی مناسب تأثیر هنری شعر را دوچندان می‌سازد. باید توجه داشت که سنتهای موسیقایی در شعر با گذار از سنت خنیاگری عهد ساسانی به عصر اسلامی رفته‌رفته شکل می‌گیرد و همین سنتهاست که قرن به قرن در شعر شاعران حیاتی تازه می‌یابد و پرمایه و غنی می‌گردد. ابداعات شاعران سبک خراسانی در این زمینه با شعر شاعران سبک عراقی و هندی گسترش پیدا می‌کند. برای مثال، نی از میان سازهای ایرانی، در شعر مولوی، یک‌باره نماد عارف آرمانی نمی‌گردد بلکه، پیش از مولوی، عطار و پیش از وی خاقانی صلا می‌دهند که باید چون نی تهی و خالی از نفسانیات بود و خاموش بر سیر هستی نظر کرد و چون بربط فغان و شکوه سر نداد:
چون بربط زبان چه بکارست بهتر آنک چون نای بی‌زبان زنی الحان صبحگاه (خاقانی)

تطوّر اصطلاحات موسیقی در شعر

بررسی اشعار شاعران شاخص نشان می‌دهد که، از بیش از پانصد واژه و اصطلاح

موسیقی که از قرن چهارم به بعد در شعر به کار رفته، حدود ۳۸۰ واژه و اصطلاح متروک و منسوخ شده است. ۱۲۰ واژه و اصطلاح نیز هنوز به همان معنی سابق متداول‌اند. در نمایه ۱، واژه‌های موسیقی متداول از قدیم تا امروز فهرست شده‌اند. این واژه‌ها ذیل چهار عنوان افعال؛ اصطلاحات؛ انواع سازها؛ اسامی و دیگر لغات بخش‌بندی شده‌اند. این واژه‌ها و اصطلاحات هم در شعر گذشته دیده می‌شوند و هم در شعر معاصر.

نمایه ۱

واژه‌های متداول موسیقی از قرن چهارم تا امروز

افعال موسیقایی

آستین برافشاندن، ایستادن، برخاستن، پا کوبیدن، چرخ زدن، خواندن، رقصیدن، زدن، ساز کردن، سرودن، کوبیدن، نالیدن، نوا کردن، نواختن

اصطلاحات

اصول (تاجیکستان)، بازگشت، بم، پرده، ترانه، چاووش، خارج، دسته، رشته، زخمه، زه، زیر، ستا، ساز، سرود، سماع، ضرب، طنین، موزون، بزم، نسبت، نغمه، نوا

سازها

خلخال، دف، دنبک (تنبک)، دهل، سرنا، سنتور، سنج، سه‌تا (تاجیکستان)، سه‌تار، سیم، شیبور، طاس، طبل، عود، طنبور، قانون، کرنا، کمانچه، مضراب، ناقوس، نای، تقاره، نی، وتر

اسامی و واژه‌ها

آوا، آواز، آغانی، آهنگ، اصول (ادا)، الحان، بازی، بانگ، بلند، ترنم، حافظ، حرکات، خروش، دم، رقا، رقص، زار، زمزمه، صدا، صفیر، صلا، صوت، غزل، غریو، غلغل، غنا، گلبانگ، لحن، ناله، نوحه، دهل‌زن، زننده، سرودگو، طبل‌نواز، طنبورنواز، غزل‌خوان، قاری، مطرب، مغنی، موسیقی، مؤذن، نایی، نغمه‌گر، نفیر، نواخوان، نواساز، نواسازی، نواسرا، نوان، نوازنده، نواگر، نوحه‌گر، ولوله، های و هوی، هزارآوا، هم‌آواز، هنر

اصطلاحات و واژه‌های منسوخ موسیقایی (۳۸۰ واژه) به اعتبار منسوخ‌شدگی لفظی و منسوخ‌شدگی معنایی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱. منسوخ‌شدگی واژه

برخی از اصطلاحات و واژه‌های موسیقی که در نظم و نثر فارسی به کار رفته‌اند به مرور

متروک و منسوخ شده‌اند و فارسی‌زبان امروزی با آن بیگانه است. از این میان، نزدیک چهل اصطلاح و واژه به صورت کهن، برای ذکر مفاخر گذشته یا ایجاد فضای باستانی، هنوز جسته‌گریخته به کار می‌روند و می‌توان آنها را نیمه‌منسوخ فرض کرد. وقتی اخوان ثالث می‌گوید:

قلب او به جوش آید
سینه‌اش کند تنگی
ز آتشی گدازنده
ارغنون روحش را
سخت در خروش آرد یک نهان نوازنده (زمستان)

خواننده باید معنی ارغنون را از لغت‌نامه استخراج کند که نوعی ساز باستانی است که آرگهای امروزی از آن برگرفته شده‌اند و شامل چندین نی با فضایی بادی بوده است. این واژه را منوچهری در قرن پنجم در ترکیب ارغنون‌زن به کار برده است:

همی راندم فرس را من به تقریب چو انگشتانِ مردِ ارغنون‌زن

اکنون ما از سابقه این واژه بی‌خبریم که آیا نزد منوچهری و فارسی‌زبانان قرن پنجم نیز خصلت باستانی و کهن داشته یا زنده بوده است. در قرن هفتم و پس از آن نیز آن را در شعر می‌بینیم. مولوی، برای آفرینش مضمونی عرفانی، نام این ساز را به کار می‌برد:

هیچ کس را خود ز آدم تا کنون کی بُدست آواز همچون ارغنون
پس عدم‌گردم عدم چون ارغنون گویدم کِآنَا اَلَسِیْه راجعون

بر ما معلوم نیست که نام برخی از اصطلاحات موسیقی یا نام سازها در زمان شاعر از آن دسته بوده که معروض منسوخ‌شدگی معنایی گشته‌اند یا نه. چنگ، که سازی زهی است و بسیار قدمت دارد نیز چنین است. در حالی که جرس به زمان ما نزدیک‌تر است؛ چون، هرچند، امروزه سازی به این نام نداریم، شبیه آن را در میان انواع سازهای زنگی و زنگوله‌ای می‌توان یافت. از این رو، وقتی نیما جرس را همراه با شب و راه و نغمه و دزد و کاروان و تنگنا می‌آورد، به قرینه می‌توان معنای جرس را حدس زد.

در نمایه^۲، واژه‌های موسیقایی منسوخ که، در شعر امروزی، کاربردی باستانی (آرکائیک) یافته‌اند فهرست و ذیل عناوین سازها و متعلقات آنها؛ موسیقی‌دانان؛ اصطلاحات خاص؛ الحان؛ و سایر واژه‌ها بخش‌بندی شده‌اند. این واژه‌ها را فارسی‌زبانان و آنان که با

موسیقی سروکار دارند در زندگی روزمره به کار نمی‌برند و فقط در اشعار و در فضای شعری می‌توان آنها را بازیافت.

نمایه ۲

واژه‌های موسیقایی منسوخ با کاربرد باستانی (آرکائیک)

سازها و متعلقات آنها

ابریشم (تار)، ارغنون، درای، جرس، جلاجل، چغانه، رود، صور، کوس، مزمار (مزمرا)، موسیقار

موسیقی‌دانان

باربد، بامشاد، رامتین، رودکی، زلز، سرکش، نکیسا

اصطلاحات خاص

اوتار، دستان، راه (ره)، سپاهان، ورشان، نشید

الخان

سروستاه، گنج

سایر واژه‌ها

ارغنون‌زن، چنگ‌زن، چنگ‌نواز، چنگی، خنیاگر، رامش، رامشگر، رودنواز، زبور، زندخوان، زندواف، زهره، گوسان، لوری، ناهید، حافظ

نمایه ۳

واژه‌های موسیقایی منسوخ بدون کاربرد امروزی

سازها و متعلقات آنها

ارغن، آئینه‌پیل، تبیره، چلپ، دنه، شهرود (شاهرود)، شخج، شندف، لبینا، جوال، برغو، چکاو، مقرعه، مهره، هفت‌خوان، نیشه، پاتره، کوکنار، تبوراک، دستاورنجن، دستینه، دورویه، روئین‌نای، زرین‌نای، سپیدمهره، سیمین‌مهره، مَغْنی، موسیجه، سرغین

اصطلاحات خاص

انین، طبطاب، غرنگ، پرده‌لیلی، بیست‌و‌چهار شعبه، دوازده مقام، راه خارکش، خنبک، حراره، حدی، نوف، فروداشت

موسیقی‌دانان

ابوالحارث، بوبکر ربابی، بوطلب، معبد، بوالفتوح، علی‌نای‌زن، علی مکی، اسفندیار، حسن‌زرور، سنی‌زرین

الحان

آزادوار، افسر سگزی، اشکنه، ارجنه، باده، بشکنه، پالیزبان، بهمن قیصران، تخت اردشیر، روشن چراغ، شکر توین، سپهبدان، سرو سهی، سیواریتیر، شیشم، کاویزنه، آرایش خورشید، پهلوی، خراسان، گنج باد آورد، گنج گاو، گنج باد، گنج فریدون، مویه زال، رامش جان، راه گل، نوشین باده، کاسه گر، باغ سیاوش، باغ شهریار، بهمن، پنگانی، دل انگیز، دیف رخش، زیر قیصران، سبزه بهار، سرو ستاه، سرو سهی، قالوس، مهرگان خردک، نی بر سر کسری، نوروزکی قباد، نوش لبینا، هفت گنج، کیخسروی، کین ایرج، کین سیاوش، قفل رومی

سایر واژه‌ها

چنگ ساز، رود ساز، رود سرا، کوس گردان، پای باز، بریشم زن
در نمایه ۳، حدود ۱۰۵ واژه موسیقایی منسوخ آورده شده است که امروزه هیچ کاربردی در زبان فارسی ندارند و کاملاً متروک‌اند. این واژه‌ها نیز ذیل عناوین سازها و متعلقات آنها؛ اصطلاحات خاص؛ موسیقی دانان، الحان؛ و سایر واژه‌ها بخش بندی شده‌اند. بیشترین بسامد مربوط به اسامی آهنگها و الحانی است که منوچهری در قرن پنجم و نظامی در قرن ششم از آنها یاد کرده‌اند.

۲. منسوخ شدگی معنایی

در میان واژه‌های موسیقایی شماری را می‌توان یافت که معنای سابق آنها منسوخ شده اما، لفظ آنها باقی مانده و معنای دیگری پیدا کرده‌اند و فارسی‌زبانان با معنای قدیم آنها آشنا نیستند و تصاویر شعری نیز نمی‌تواند معنی قدیم آنها را القا کند.
بیشتر اصطلاحات فنی موسیقی‌اند که معروض منسوخ شدگی معنایی شده‌اند؛ در حالی که منسوخ شدگی لفظی بیشتر عارض اسامی غیر اصطلاحی و عام گشته که در دوره‌ای تداول عام داشته اما، در شعر نیامده‌اند. از این رو، وقتی به انواع اصطلاحات موسیقی در شعر قدیم برمی‌خوریم، باید بر اساس موسیقی قدیم، یعنی موسیقی رایج در عصر اسلامی تا پس از عصر صفویه، که بنا بر مندرجات آثار نظری موسیقی نظیر تألیفات صفی‌الدین ارموی و عبدالقادر مراغی و بنایی و کوبی، موسیقی دوازده مقامی بوده، آنها را بررسی کنیم. پس از عصر صفویه و از عصر قاجار تا کنون موسیقی به صورت دستگاهی تعریف می‌شود و بر هفت دستگاه و پنج آواز مبتنی است. وقتی نظامی (قرن ششم) می‌سراید:

در آن پرده که خوانندش **حصاری** چنین بکری برآورد از **عماری** یا سعدی می‌گوید:

و پرده عشاق و خراسان و حجازست از **حنجره مطرب** مکرره **نزبید** و یا **آملی**:

حسینی و **عراق آن‌گه سپاهان** پس از **زنگوله عشاق** و **نوادان** باید توجه داشت که **حصاری**، **عشاق**، **خراسان**، **حجاز**، **حسینی**، **عراق**، **سپاهان**، **زنگوله**، **عشاق**، **نوا** همانهایی نیستند که امروزه با نام گوشه و دستگاه رواج دارند. این واژه‌ها امروزه در موسیقی ایرانی کاربرد دارند؛ اما، مدلول آنها به درستی معلوم نیست همان باشد که در گذشته بوده است.

لذا این دسته از واژه‌های موسیقی را می‌توان، به لحاظ تطوّر معنایی، در معنای قدیم منسوخ شمرد. برخی دیگر از واژه‌های موسیقی بیشتر افعالی هستند که معنای اصطلاحی موسیقایی آنها منسوخ شده ولی با معنای دیگر در زبان فارسی امروزی رایج‌اند؛ مثل **برآمدن**، **برآوردن**، **برکشیدن**، **خاستن**، **کشیدن**، **گفتن**، **دمیدن**، **ساز کردن** و اصطلاحات **قول و غزل و غیره**. مثلاً، در این بیت:

رودکی **چنگ برگرفت و نواخت** باده انداز **کو سرود انداخت**

فعل **انداختن** برای **سرود** ظاهراً به قرینه **باده انداختن** به کار رفته است و در اشعار هیچ‌یک از شاعران شاخص **سبک خراسانی** و **عراقی** (در محدوده این تحقیق) فعل **انداختن** در این کاربرد دیده نشده است.^۱

در **نمایه ۴** واژه‌هایی که معنای قدیم آنها منسوخ شده به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۱) افعال موسیقایی معمولاً دارای پیشوند **بر** هستند. از افعال کم‌کاربرد موسیقایی با پیشوند **بر** برداشتن (آواز برداشتن) است که نظامی به کار برده است:

به جایی ساز **مطرب** برکشد ساز به جایی **مویه‌گر** بردارد آواز
نگنجد آن **ترنم** اندرین ساز مخالف باشد از **برداری** آواز
نکیسا چون زد این **افسانه** بر چنگ سستای **باربد** برداشت آهنگ
عراقی وار **بانگ** از چرخ **بگذاشت** به آهنگ **عراق** این **بانگ** برداشت

سعدی نیز گوید:

مؤذن بانگ بی‌هنگام برداشت نمی‌داند که چند از **شب** گذشته‌ست
حتی از **ترکیب رقص برداشتن** در شعر فارسی شاهد داریم:
رقص برداشت بی‌مقطع ساز آن‌چنان شد که کس **ندیدش** باز

۱) آنها که معنای موسیقائی تازه پیدا کرده‌اند؛ ۲) آنها که معنای موسیقایی را از دست داده‌اند.

نمایه ۴

واژه‌های موسیقایی معروض منسوخ‌شدگی معنایی

با معنی موسیقایی جدید

بربط، چنگ (تاجیکستان، نوعی سنتور)، راهوی، غزل، نوبت، راست، شهناز، اصول (ریتم و وزن در موسیقی ششم مقام تاجیکستان)، عراق، حجاز، حسینی، ستا (نوعی کمانچه یا طنبور دسته‌بلند با کمان رایج در تاجیکستان)، نوروز بزرگ، نهاوندی، اصفهان، عشاق

با معنی غیرموسیقایی

آلت، آمدن، آوازه، ادا، استوار، انگشت‌زنان، ایستادن، باد کردن، بازگشت، بازگفتن، بالاگرفتن، برافشاندن، برجستن، برداشتن، برگفتن، بساز، بهم ساختن، بیرون افتادن، پرداختن، حدیث، خارش، جعبه، رشته، صندوق، قول، راه، گوشمال، زه، آوازه، برخاستن، برآمد، برآوردن، انگیختن، سرآیندن، انداختن، باد کردن، برخواندن، برشدن، برکشیدن، برزدن، برگرفتن، برگشادن، جنباندن، چنبر، خاراندن، دستان، دم زدن، دوال، راست کردن، راندن، زخم، ساعد، شکستن، کشیدن، گشادن، گفتگو، گفته، مالیدن، صدمه

منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۶)، زمستان، انتشارات مروارید، تهران؛
ثابت‌زاده، منصوره (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات کنگره نیمایوشیج، «زنگ باران از کپاچین»، انتشارات یونسکو، تهران؛
— (۱۳۸۱)، تأثیر لغات و اصطلاحات موسیقی در گسترش مضامین شعر فارسی (قرن ۴-۱۰)، پایان‌نامه دوره دکتری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی؛
— (۱۳۸۲)، پژوهشی در موسیقی تاجیکستان، انتشارات خاص، تهران؛
حدادی، نصرت‌الله (۱۳۷۶)، فرهنگ‌نامه موسیقی ایران، انتشارات توتیا، تهران؛
خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۷۳)، دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران؛
دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ذیل واژگان؛
رودکی سمرقندی (۱۳۷۳)، دیوان رودکی، تصحیح سعید نفیسی، انتشارات نگاه، تهران؛
ستایشگر، مهدی (۱۳۷۵)، واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین، انتشارات اطلاعات، تهران؛
سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۶۶)، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات ققنوس، تهران؛

مراغی، عبدالقادر (۱۳۷۰)، شرح ادوار، تصحیح تقی بینش، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
ملاح، حسینعلی (۱۳۶۳)، دیوان منوچهری دامغانی و موسیقی، انتشارات فرهنگ و هنر، تهران؛
منوچهری دامغانی، احمد (۱۳۶۷)، دیوان منوچهری، تصحیح محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوار، تهران؛
مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳)، مثنوی، چاپ نیکلسون، انتشارات امیرکبیر، تهران؛
— (۱۳۶۳)، غزلیات شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران؛
نظامی‌گنجوی (۱۳۶۸)، دیوان نظامی، تصحیح سعید نفیسی، انتشارات فروغی، تهران؛
وجدانی، بهروز (۱۳۷۶)، فرهنگ موسیقی ایرانی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی